

۶۶

در زمان جنگ سخت و دفاع مقدس هم چون جنگ ما یک مبنای اعتقادی داشت، به همین علت شریعت ما اجازه هر گونه حرکت وفعالیتی علیه دشمن را نمی‌داد. امروز در جنگ نرم دین ما اجازه هر عملیاتی را به ما نمی‌دهد اما می‌توان در کنار در نظر گرفتن مسائل اعتقادی عملیات‌های زیادی را علیه آنان انجام داد و باید هم انجام بدهیم. ما نمی‌توانیم مانند آنها که میان کردها و ترک‌ها اختلاف می‌اندازند، اختلاف‌افکنی کنیم، اما می‌توانیم مسائل آنان را تبیین کنیم. مثلاً به سرخپوست‌ها و سیاهپوستان در حوزه کشوری و سرزمینی آنان بپردازیم. ماجرای یک میلیون سرخپوستی که کشته شدند را باز گو کنیم

۶۶

بهترین دفاع همان حمله است. خیلی‌ها از نقش شیطان در این قصه چه در میان خودی‌ها و چه در روبه‌رو غافل هستند. در بین خودی‌ها نفوذ کرده و شاخه، شاخه کرده واما در بین دشمن هم آمده و گفته ۵ + ۱ یعنی شیطان در برابر حق به اتحاد مشغول است و در داخل ما را به تفرقه مشغول کرده است. آقا فرمودند جنگ ما جنگ احزاب است. چرا نباید بگوئیم که شما مسئله نژادپرستی، برده‌داری و ... را هنوز از قدیم به عنوان میراث غرب دارید. رسانه‌های داخلی وقتی خوراک و خبر درست ندهند و مردم را توجیه نکنند همین می‌شود

پویان شریعت

هنگامی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت روح‌الله به پیروزی رسید مدیریت جهان به دست دو بلوک غرب و شرق بود. آن‌ها پس از پیروزی انقلاب سعی کردند چون گرگی به غزال نویای انقلاب حمله کنند. اما ۳۶ میلیون جمعیت ایران برابر آن‌ها ایستاد. اما آن‌ها هنوز هم دنبال راهی برای ضربه زدن به این انقلاب و مردم ایران هستند. کاری که اخیراً بر خلاف تمام قوانین بین‌المللی انجام دادند جلوگیری از پخش شبکه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی برای جهانیان بود. این به روشنی نشان دهنده این است که جنگ سخت تمام شده و جنگ امروز، نرم و رسانه‌ای است. به همین خاطر طی سلسله مصاحبه‌هایی در خصوص نبرد نرم و رسانه‌ای که انجام داده‌ایم این بار با جواد علی‌گلی از مسئولان تبلیغات لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و هم‌زم حاج احمد و حاج همت مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که خواندنش خالی از لطف نیست.

در زمان جنگ سخت و دفاع مقدس هم چون جنگ ما یک مبنای اعتقادی داشت، به همین علت شریعت ما اجازه هر گونه حرکت و فعالیتی علیه دشمن را نمی‌داد. امروز در جنگ نرم دین ما اجازه هر عملیاتی را به ما نمی‌دهد اما می‌توان در کنار در نظر گرفتن مسائل اعتقادی عملیات‌های زیادی را علیه آنان انجام داد و باید هم انجام بدهیم. ما نمی‌توانیم مانند آنها که میان کردها و ترک‌ها اختلاف می‌اندازند، اختلاف‌افکنی کنیم، اما می‌توانیم مسائل آنان را تبیین کنیم. مثلاً به سرخپوست‌ها و سیاهپوستان در حوزه کشوری و سرزمینی آنان بپردازیم. ماجرای یک میلیون سرخپوستی که کشته شدند را باز گو کنیم. اصولاً نمی‌دانم چرا ما باید در حوزه دفاع باشیم. آنها شبیه طرح کنند و ما بر طرف کنیم. چرا ما نباید برای آنها ایجاد شبهه کنیم؟

باید در عیاق‌ها هجوم و حمله قرار بگیریم تا بتوانیم در سرزمین‌های دشمن عملیات‌های موفقی داشته باشیم. این یک کار کارشناسی می‌خواهد یا بهتر بگوئیم یک سازمان یا نهاد که فقط وظیفه عملیات نرم در خاک دشمن را داشته باشد. در هر سرزمین باید شبکه‌های محلی با زبان و گویش‌های سرزمینی خود ایجاد شود. نیروهایی مانند اطلاعات عملیات زمان جنگ برای این امر در نظر گرفته شود و بعد از شناسایی عملیات لازم را انجام دهیم. امروز اطلاعات و عملیات‌ها باید مانند زمان جنگ همان دانش‌آموزان و دانشجویان باشند با فرق اینکه به جای تخصص در بحث تخریب، عملیات سایبر و تاکتیک‌های رزم نرم و اعتقادی را ی‌ساز بگیرند. امروز باید دیدبانی و گراگیری و دادن آن به تویخانه را افزایش دهیم، اما به جای تانک و سنگر مقرر سایبری و سایت‌ها و شبکه‌های آنها را



نرم و رسانه‌ای است. به همین خاطر طی سلسله مصاحبه‌هایی در خصوص نبرد نرم و رسانه‌ای که انجام داده‌ایم این بار با جواد علی‌گلی از مسئولان تبلیغات لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و هم‌زم حاج احمد و حاج همت مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که خواندنش خالی از لطف نیست.

زیر آتش قرار دهند. رسانه‌های ما بعضی مواقع در گفتن حقیقت لکنت می‌گیرند. در این مقطع دشمن همان خبر را آمیخته با دروغ منتشر می‌کنند. برای این موضوع چه راه‌حلی وجود دارد؟ بهترین دفاع همان حمله است. خیلی‌ها از نقش شیطان در این قصه چه در میان خودی‌ها و چه در روبه‌رو غافل هستند. در بین خودی‌ها نفوذ کرده و شاخه، شاخه کرده و اما در بین دشمن هم آمده و گفته ۵ + ۱ یعنی شیطان در برابر حق به اتحاد مشغول است و در داخل ما را به تفرقه مشغول کرده است. آقا فرمودند جنگ ما جنگ احزاب است. چرا نباید بگوئیم که شما مسئله نژادپرستی، برده‌داری و ... را هنوز از قدیم به عنوان میراث غرب دارید. رسانه‌های داخلی وقتی خوراک و خبر درست ندهند و مردم را توجیه نکنند همین می‌شود. شما می‌گویید لکنت، من می‌گویم بعضی‌ها لال شده‌اند! بباید از تاریخ ایران، ایران اسلامی، انقلاب و ... بگوئید. اما متأسفانه امروز باید روبه‌رو را و جبهه دشمن را اول کنیم و به خودی‌ها بچسبیم چون در بعضی مواقع خیانت و ضربه‌ای که خودی‌ها می‌کنند و می‌زنند دشمن که هیچ تمام اتحاد جبهه کفر هم نمی‌تواند بزند. تا زمانی که کارشناسان معتقد در سیستم وارد نشوند و اداره امور را به دست نگیرند همین مشکلات دامنگیر ما است و بیشتر می‌شود که کمتر نمی‌شود. برای جمهوری اسلامی زشت است به عنوان یک کشور محور در مبارزه با امپریالیسم و غرب یک برنامه غرب شناسی در ساعت درست برای عوام و مخاطبان نگذار. اینکه نسل امروز نمی‌داند ایران چطور اسلامی شد و عقبه انقلاب اسلامی و تفکرات حضرت روح‌الله را نمی‌داند، برای سیستم رسانه‌ای و صدا و سیما و تبلیغات فاجعه به شمار می‌رود. متأسفانه از قدیم دشمن ارزش این مسائل را بهتر می‌داند. او می‌داند نسل امروز از دفاع مقدس چیزی نداند! چقدر برای او بازدهی دارد و برای ما ضرر. خودی‌ها از همان زمان جنگ هم در این زمینه که مهم‌ترین عرصه و محور در تمام محورهای



شهید اسماعیل ترابی پور

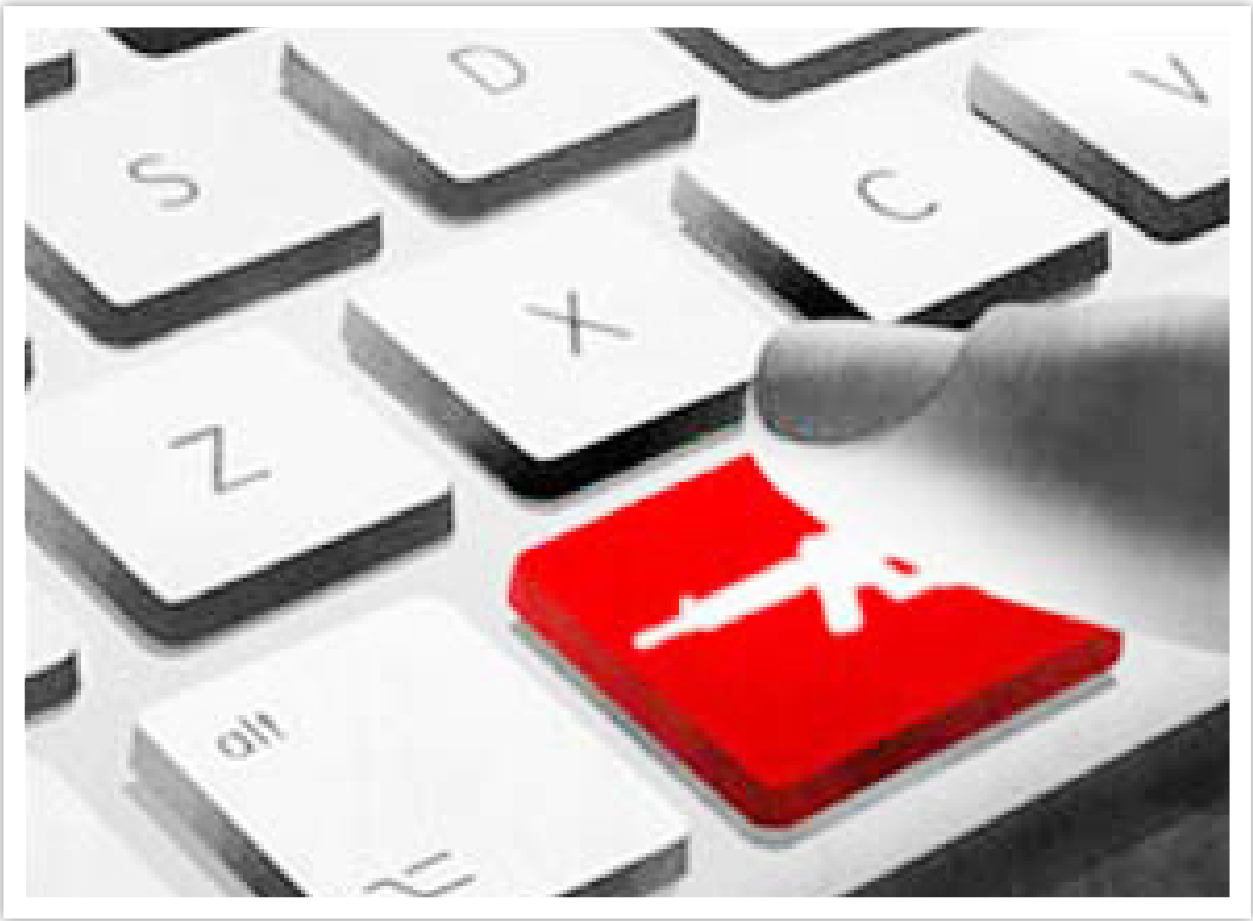
به برادران بسیج می‌گویم: اسلحه مرا آنچنان که امام فرمود بر زمین نگذارید و با خون دادن، انقلاب اسلامی را حمایت کنید.

Medium

Close up

گفت‌وگوی «جوان» با مسئول تبلیغات لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در دوران دفاع مقدس در خصوص مقاومت رسانه‌ای در جنگ نرم

برخی رسانه‌ها در جنگ نرم اسیر دشمن شده‌اند



پول بیشتری بگیرند. آیا آنها نباید کار رسانه‌ای منسجم‌تر و کیفی‌تری انجام دهند؟

همین که یکی بلند شود واصل جنگ را بنویسد خودش کلی کار است. تخیلات خودش را ننویسد اصل جنگ را بنویسد. هیچ کس دنبال اصل داستان نیست. آقا بارها فرمودند جنگ باید تعبیر شود. تعبیر یعنی گفتن اصل ماجرا که متأسفانه خلأ زیادی دیده می‌شود.

به نظر می‌رسد در این زمینه ما به اتاق فکر احتیاج داریم. اتاق فکری که از انسان‌هایی تشکیل شده باشد که فرق روزنامه و کتاب و صدا و سیما را بفهمند تا اگر بحثی داریم بدانیم برای چه قشری است و چگونه مطرح کنیم. برای تشکیل این اتاق‌ها راه‌حلی دارید؟

وجودش خیلی عالی و الزامی است. این جلسات کلی مطالب خروجی خواهد داشت. باید به یک قدرت و مبنای مرکزی وصل باشند تا حرف‌ها، مطالب و نظریات بچه‌ها روی زمین نماند. حرکاتی که در دولت خاتمی اجرا شد، شاید که نه حتماً تخریب نبود. پس ما باید خودمان با تشکیل اتاق‌های فکر، در این زمینه فعال باشیم.

آیا به نظر شما کسانی که وارد این عرصه می‌شوند نباید از حیث عملکرد بیشتر شبیه چمران و متوسلیان شوند؟ چه کسانی؟

حاج احمد و چمران دشمن و ذات آن و اهداف و ابزار آن را به خوبی و از خودشان بهتر می‌شناختند. بعضی از ما ابزار را می‌شناسیم اما ذات و اهداف ذاتی را نمی‌دانیم و گرفتار می‌شویم. اهالی سینما ابزار را می‌شناسند اما ذات و اهداف را نمی‌دانند به همین خاطر در ساخته‌ها و خروجی‌های آنان نه تنها برای ما از دشمن اسیر گرفته نمی‌شود بلکه خوداهالی اسیر می‌شوند. باید کسانی را داشته باشیم که ابزار و دشمن و اهداف آن را به خوبی بشناسند. بصیرت کافی را داشته و بهنگام عمل کنند. امرولی را بر هر چیز مقدم بشمارند. رضای خدا را در نظر گرفته و برای هیچ چیز جز او کاری را انجام ندهند و اخلاص را در بالاترین حد خود به کار برند. آن‌شاءالله موفق می‌شویم.

در بحث جنگ رسانه‌ای ما می‌توانیم مانند عملیات فاع عمل کنیم. یعنی در جایی که اصلاً ذهن دشمن نمی‌رسد، وارد شویم. به نظر شما رسانه‌های ما در حوزه پدافندی چه کارهایی باید انجام دهند؟ به نظر من باید شناسایی کنند در کجا اگر دشمن یک مشت بخورد انگار صد تا مشت خورده است، وقتی من سایت‌ها را مرور می‌کنم می‌بینم که بیشتر از آنچه به دشمن ضربه بزنند به خودمان ضربه می‌زنند. حرکاتی را انجام می‌دهند که ملت دچار تزلزل در ایمان‌شان می‌شوند. برگزیدن انسان‌های معتقد و تشکیل یک نهاد یا سازمان فقط برای این کار و شناسایی شبانه‌روزی و عملیات با رعایت اصل غافلگیری، می‌تواند جزو وظایف کنونی حزب‌الله و مسئولین در عرصه پدافند و جنگ رسانه باشد.

رهبری بارها به مقامات دولتی فرمودند سناریوی دشمن را بخوانید. آیا ما برای سناریوهای دشمن از قبل برنامه‌ریزی داریم؟

یکی از مشکلات تبلیعی در کشور ازدیاد گروه‌های تبلیغاتی و فشار آنها به همدیگرو در نهایت عدم نتیجه و بازدهی می‌باشد. هر کسسی کار خود را می‌کند. هیچ مرکزیت یا نقطه مرکزی برای سازماندهی و تعیین وظایف و تعیین خط رگیری وجود ندارد. فکر نمی‌کنم برنامه‌ریزی داشته باشیم. ما برای خودمان برنامه‌ریزی نداریم چه برسد برای سناریوهای دشمن برنامه داشته باشیم.

تلفیقه کسانی که از جبهه و جنگ خبر دارند یا اهل آن فرهنگ هستند و جبهه‌ای‌اند و از ادبیات و فرهنگ و موسیقی و هنر آگاهی دارند در این زمینه چیست؟ آیا نباید در بحث نبرد رسانه‌ای و جنگ نرم منسجم‌تر وارد عمل شوند؟

هر چند کمی دیر شده است، اما به اعتقاد من ایجاد یک شبکه اطلاع‌رسانی قوی در میان بچه‌ها خودش از اهم واجبات است. برای مثال نیروی حزب‌الله سیستان گیلان و تهران هیچ ارتباط و همسنگی با هم ندارند. پتانسیل قوی اما خروجی نداریم. متولی اصلی و مرکزی ندارد. سازمان‌ها کار خودشان را می‌کنند.

اکنون می‌بینیم بچه حزب‌اللهی‌ها صرفاً بعضی‌ها پشان افتاده‌اند دنبال اینکه فقط درس بخوانند یا کتاب بنویسند. یا دو جا کار کنند و

موجود در کشور است خیلی سراسری و غافلانه برخورد می‌کردند که این غفلت در خیلی از جاها عمدی بوده است. **آیا زمان جنگ رسانه‌ها و سیستم تبلیغات که در سطح وزارت ارشاد و صدا و سیما حرکت می‌کردند توانستند جنگ را خوب پوشش دهند؟** در زمان جنگ هیچ کسسی در این زمینه حامی جنگ نبود. ما برای این مدرک هم داریم و مستندات مطرح می‌کنیم. زمان عملیات کربلای ۵ تلویزیون آمد گفت از عملیات فیلم و تصویر دارید، امشب اطلاعیه آن خوانده می‌شود اگر تصویر نباشد، می‌گویند دروغ است که ما تصویرهایی که شهید فلاحت و دوستان گرفته بودند را به آنها دادیم. آقای خاتمی مسئول تبلیغات جنگ بود حوزه بین‌الملل را که هیچ در حوزه داخلی چه کرد؟ برای ما نمونه بیاورید؟ حوزه داخلی را هم ول کنید. در جبهه‌های خودمان چه کرد؟ وقتی صدا و سیما ما از تبلیغات لشکر فیلم عملیات را می‌گیرد، می‌داند یعنی چی؟ باید پرسید وزارت ارشاد در زمان جنگ آن هم با صرف پول بیت‌المال چه کاری انجام داده است؟

آقای خاتمی مسئول تبلیغات جنگ بود. حوزه بین‌الملل را که هیچ در حوزه داخلی چه کرد؟ برای ما نمونه بیاورید؟ حوزه داخلی را هم ول کنید. در جبهه‌های خودمان چه کرد؟ وقتی صدا و سیما می‌ماز تبلیغات لشکر فیلم عملیات را می‌گیرد، می‌داند یعنی چی؟ باید پرسید وزارت ارشاد در زمان جنگ آن هم با صرف پول بیت‌المال چه کاری انجام داده است؟

برگردیم به بحث حضور تان در مناطق جنگی، گویا یکی از فرزندتان خود را در این مناطق از دست دادید. اواسط تابستان نزدیک ماه رمضان سال ۶۲ بود، همسرم به یک مأموریت در خورهای اطراف آبادان و ماهشهر رفت. شب بود که من از بیمارستان به سمت خانه می‌رفتم. طبق معمول آتش سنگین عراق شروع شد. به حیاط خانه رفتم. بالای تخت کنار حیاط ایستادم تا ببینم عراق در کجا حمله کرده است. در همان وقت صدای سوت و رعد یک انفجار در نزدیک منزل، من را به هوابرد و محکم به دیوار حیاط کوبید. احساس کردم فکم از سرم جدا شده و درد سختی در سینه و کمرم احساس کردم. همین طور می‌لرزیدم. من آن زمان چهار ماهه باردار بودم. هوا تاریک تاریک شده بود. بلند شدم لرزان لرزان رفتم لباس عوض کردم که دوست همسرم از کوچه فریاد می‌زد: «خانم پوزراع اگر صدای من را می‌شنوید جواب بدهید؟». بنده خدا پا اجازه خیلی سخت در خانه را که چفت شده بود باز کرد و از من خواست به بیمارستان بروم. اما در آن حادثه بچه‌ام را از دست دادم. بعد از چند روز همسرم بر گشت و برای مداوا از اهواز به بهبهان رفتم.

اول بانوی اسلام قدم بردارید با صلابت و محکم بایستید و برای حل مشکلات و عبور از آنها برنامه‌ریزی کنید. در همه حال و همه مواقع با از خط ولایت و خواسته‌های ایشان بیرون نگذارید. این روز‌ها باید بیشتر عمار بود و خواهران ارزشمن‌ت نسبت به همه اوضاع مطلع باشند. برای عبور از این راه باید با سلاح ایمان و امید و اندیشه عبور کنند. از آنچه فرموده‌های رهبری است و آنچه که لزوم حرکت است همه را با هم به کار گیرند تا آن‌شاءالله از امتحان‌ها و مراحل سخت پیش رو با نمره عالی قبول شوند. به مسئولان هم باید بگویم که اگر قبول زحمت کردند و برای راهبری و هدایت افراد بر خود زحمت هموار نمودند، بسیار مراقب باشند که شیطان در لباس و صورت میل بر فریب اولاد آدم قسم خورده و عمل می‌کند. بسیار دقت کنند که خدای ناکرده از حق و حقوق و وظایف در برابر مسئولیت‌شان کم نگذارند. مبادا جایی لغزشی کوچک دلیلی شود تا بار سنگین مسئولیتی را که بر دوش گرفتند و بر زمین بیفکنند. برای خودم نیز آرزوی تلاشی مضاعف‌تر و اراده‌ای مصمم‌تر دارم تا به حول و قوه الهی همچنان مسیر سربازی ولایت را با قدرت ادامه دهم. دشمن نیز بداند که ما هرگز دست از آرمان‌های خود بر نمی‌داریم و تا آخر سرفرازانه و استوار ایستاده‌ایم.

بعد از جنگ چه کردید؟

بعد از جنگ هم به ادامه تحصیل پرداختم. شهریور ماه ۶۶ بود که پسرمر محمد به دنیا آمد. هرچند بمباران ادامه داشت و حفظ جان فرزندم را باید در نظر می‌گرفتم اما باز تنها در شهر و در منزل بدون همسرم می‌گذراندم تا اینکه همسرم به شیراز منتقل شد. در این مدت سعی می‌کردم در کارهای خیاطی و بافتنی به جبهه‌ها نیز کمک کرده و تنهایی‌هایم را با این کار‌ها پر کنم. جنگ که پایان یافت منتظر تولد دخترم بودم. تا مدتی به کار‌های اینتچینی و کارهای هنری پرداختم. من با جنگ خو گرفته بودم و عادت کردن به روزهای پس از آن کمی دشوار بود.

و حرف آخر

حرف برای گفتن زیاد است. اما برای من بهترین و شیرین‌ترین لحظات زندگی همان روز‌هایی بود که در فضای معنوی مناطق جنگی در بین رزم آفرینان زن و مرد کشورم با همان محرومیت‌ها و سختی‌ها و اضطراب‌ها و دیدن عروج‌ها گذشت. اما به عنوان یک دوست و یک مادر برای بانوان جوانی که در این عرصه وارد شده‌اند و خواهند شد باید بگویم که اگر می‌خواهید موفق و پیروز باشید و در راه

برگردیم به بحث حضور تان در مناطق جنگی، گویا یکی از فرزندتان خود را در این مناطق از دست دادید.

اواسط تابستان نزدیک ماه رمضان سال ۶۲ بود، همسرم به یک مأموریت در خورهای اطراف آبادان و ماهشهر رفت. شب بود که من از بیمارستان به سمت خانه می‌رفتم. طبق معمول آتش سنگین عراق شروع شد. به حیاط خانه رفتم. بالای تخت کنار حیاط ایستادم تا ببینم عراق در کجا حمله کرده است. در همان وقت صدای سوت و رعد یک انفجار در نزدیک منزل، من را به هوابرد و محکم به دیوار حیاط کوبید. احساس کردم فکم از سرم جدا شده و درد سختی در سینه و کمرم احساس کردم. همین طور می‌لرزیدم. من آن زمان چهار ماهه باردار بودم. هوا تاریک تاریک شده بود. بلند شدم لرزان لرزان رفتم لباس عوض کردم که دوست همسرم از کوچه فریاد می‌زد: «خانم پوزراع اگر صدای من را می‌شنوید جواب بدهید؟». بنده خدا پا اجازه خیلی سخت در خانه را که چفت شده بود باز کرد و از من خواست به بیمارستان بروم. اما در آن حادثه بچه‌ام را از دست دادم. بعد از چند روز همسرم بر گشت و برای مداوا از اهواز به بهبهان رفتم.

حضور در جبهه شرط اصلی ام برای ازدواج بود

فرا گرفته بود کشور در سراسییبی سقوط می‌افتاد. دیدیم و دیدند جهانیان که باز هم حضور بانوان در صحنه حتی در فضای مجازی که بیشترین توطئه‌ها از این فضا فرماندهی می‌شود چقدر پر رنگ و تأثیرگذار بوده و هست و خواهد بود. در بسیاری از جهات جنگ نرم بهترین مدیریت‌ها و انتقال و نشر و بازنشر خبر‌ها و حقایق حتی در بسیاری از رمزگشایی‌های حرکات دشمن، بانوان در کنار آقایان و در بعضی موارد پیشگام‌تر حرکت کرده‌اند. من به عنوان یک کاربر زن در فضای مجازی سعی دارم آنچه شایسته یک زن مسلمان و با بصیرت و رزمنده است را انجام دهم. همچنین با آرزایی و تحقیق‌هایی که در زمینه‌های مختلف حضور بانوان و زنان کاردان و کارشناس و عالمه در این فضا و در فضای حقیقی داشته‌ام دارم سعی کردم با ارائه پیشنهاد به شورای عالی فضای سایبر، زمینه‌ای را فراهم آورم تا مثلاً بانوان رزمنده ناشناس نمانند و قبل از فراموش شدن الگوی دیگر بانوان در این راه قرار گیرند.

ادامه از صفحه ۹

نقش امروز زنان با توجه به تحریم‌ها و فشارهای موجود اقتصادی و جنگ نرمی که در حال حاضر با آن دست به گریبان هستیم را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا زنان چون گذشته می‌توانند نقش برجسته‌ای را ایفا کنند؟

با نگاهی ژرف به تاریخ اسلام و بسیار اثرگذاری داشته‌اند و به همین‌چنین نظر به مقاومت و پایداری ۲۳ سال انقلاب اسلامی ملت و امت این حقیقت آشکار را خواهید یافت که قشر بانوان در این همه افتخارات و موفقیت‌ها نقش بالا و بسیار اثرگذاری داشته‌اند و به پساکه در شرایط مشابه باز هم این اتفاق خواهد افتاد و بانوان در به دست آوردن استقلال و عظمت و سرفرازی‌ها مفید و تأثیرگذار عمل خواهند کرد. بنده با ارتباطی که بین این چند نسل داشته‌ام می‌توانم با اطمینان بگویم که اگر نبود فداکاری‌ها و استقامت این قشر در همین فتنه‌ها و تحریم‌ها و جنگ نرمی که همه جانبه تمام بخش‌های جامعه را